

حمایت از اسرار تجاری و توجیه مالکیت معنوی^۱ (نقدی بر نظریه هتینگر)

نوشته: لین شارپ پین

مترجم: مرتضی افشاری قزوینی^۲

در مقاله‌ای جدید^۳ آقای ادوین هتینگر به مبانی مختلفی در شناسایی مالکیت معنوی اشاره نموده است. ایشان معتقد است که مبانی موجه سنتی که در توجیه مالکیت بر اموال مادی و محسوس بدان استناد می‌گردد به هنگامی که در توجیه مالکیت‌های معنوی به کار می‌رود، بسیار مشکل می‌آفریند. و این به دلیل ماهیت غیرانحصاری موضوعات تحت پوشش مالکیت معنوی است زیرا به خوبی می‌دانیم که تصرف و بهره‌برداری یک شخص از محصولات فکری مانع از تصرف و بهره‌برداری دیگران نیست. آقای هتینگر همچنین معتقد است که نسبت به پذیرش حقوق مالکیت معنوی به شکلی خصوصی و انحصاری مخالفت‌های جدی وجود دارد و علیه تجویز ایجاد محدودیت در جریان آزاد اطلاعات و

1. Lynn sharp paine. "Trade Secrets and the justification of Intellectual Property." 20 philosophy and public policy (247) 1991. <http://cyberlaw.harvard.edu/IPCoop/91paine.html>.

۲. دانشجوی دوره دکترای حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی.

3. Edwin.C.Hettinger. "Justifying Intellectual Property." Philosophy & Public Affairs 18.no.1. (1989)

افکار، اماره‌ای شکل گرفته است.

پس از رد چند مبنای موجه مالکیت معنوی، آقای هتینگر مبنای خود را بر استدلال سود محوری^۱ یا ابزار محوری^۲ استوار می‌سازد که خود بر پایه نظریه تشویق و ایجاد انگیزه می‌باشد. ایشان معتقد است که اگر ما بپذیریم که هدف قوانین حمایت از مالکیت معنوی ارتقای سطح کمی و کیفی دانش و پخش و نشر اطلاعات و بهره‌برداری هرچه بیشتر از آن می‌باشد، آنگاه شناسایی حقوقی بر اطلاعات و افکار کاملاً عقلایی و موجه می‌نماید. به هر حال براساس این نظریه در صورتی که این قوانین حمایتی تأمین‌کننده اهداف فوق‌الذکر نباشد باید اصلاح گردند. هتینگر که نگاهی توأم با شک و تردید به قوانین فعلی حمایت از مالکیت معنوی دارد نتیجه‌گیری می‌کند که ما باید نسبت به ساختارسازی قوانین مالکیت معنوی خود بالاخص در حوزه حمایت از اختراعات، حمایت از کپی رایت و اسرار تجاری بازننگری نموده تا میزان دستیابی و بهره‌برداری از محصولات فکری هرچه بیشتر فراهم گردد. ایشان در همین راستا احتمالات متعددی را خاطر نشان می‌سازد:

- حذف اشکال خاصی از حمایت از اسرار تجاری

- تحدید مدت حمایت از کپی رایت و اختراعات

- سرمایه‌گذاری دولتی و مالکیت عمومی محصولات فکری.

رهیافت هتینگر در توجیه قوانین حمایت از مالکیت معنوی مبتنی بر چندین فرضیه بحث‌برانگیز است. ایشان معتقد است که تمامی قوانین حمایت از مالکیت معنوی با هم گسترش یافته و با هم محدود می‌شوند، این بدان معناست که توجیه حمایت از اسرار تجاری باید همانی باشد که حامی اختراعات و کپی رایت می‌باشد.

اکنون در این مقاله نویسنده سعی بر این دارد که نادرستی این فرضیه را نمایان سازد. اینکه تمامی این قوانین در ارتقای منافع اجتماعی نقشی به سزا دارند صحیح است، لیکن

1. Utilitarianism.

2. Instrumentalism.

باید توجه داشت که هر یک از حقوق و تعهداتی که تحت عنوان حقوق حاکم بر مالکیت معنوی از آن بحث می‌شود دربردارنده انواعی از توجیهاات و اهداف خاص خود می‌باشد. از طرف دیگر هتینگر بر آن است که حقوقی که تحت عنوان «مالکیت معنوی» از آن یاد می‌شود، همان حقوقی است که در اموال مادی و محسوس مطرح است و اساساً مالکیت معنوی شبیه مالکیت مادی است و تنها تفاوت آنها در عدم عینیت محصولات فکری است. نویسنده معتقد است که آنچه هتینگر را بر آن می‌دارد که تحقیق خود را در توجیه مالکیت معنوی براساس توجیهاات مالکیت مادی صورت دهد ناشی از همین طرز فکر است. نویسنده در این مقاله در تلاش است که ظرفیت‌های رهیافتی جایگزین را که درصد شناسایی حقی بر اطلاعات و افکار است، خاطر نشان سازد. رهیافتی که مبتنی بر قیاس مالکیت معنوی با مالکیت‌های مادی نمی‌باشد و بیشتر به نقش اطلاعات و افکار انسانی در تعریف شخصیت و ایجاد روابط اجتماعی توجه دارد.

آنچه از ترکیب ادعاهای هتینگر مستفاد است ورود انتقاداتی جدی به حقوق حاکم بر حمایت از اسرار تجاری است. در نظر رهیافت هتینگر این حقوق حمایتی، محدودکننده دستیابی به اطلاعات و افکار است. این حقوق از محرمانه نگاه داشتن اطلاعات و افکار حمایت می‌کند و تحدیدات غیرقابل قبولی را بر امکان نقل و انتقال و جابجایی کارگران و نیز انتقال فناوری به وجود می‌آورد و اصل رقابت را نیز در نطفه خفه می‌کند. اساساً در پرتو چنین سوءکارکردهایی بود که هتینگر توصیه می‌کرد نسبت به حذف کلی بسیاری از انواع اسرار تجاری و تجویز حمایت گسترده‌تر از اختراعات بیشتر بیندیشیم. ایشان معتقد است که حمایت از اسرار تجاری از جهاتی چند نامطلوب است در حالیکه حمایت از کپی رایت و اختراعات چنین نیستند.

آقای پین در نقد نظریه هتینگر معتقد است که ما باید قبل از هرگونه اظهارنظر نسبت به عقیده هتینگر مجدداً به ارزیابی قوانین حمایت از مالکیت معنوی پرداخته و فهم روشنتری از مبانی موجه مختلفی که نسبت به مالکیت معنوی ارائه شده است در مقایسه با آنچه هتینگر بدان معتقد است، به دست دهیم. در همین راستا نویسنده معتقد است که

اگر ما مفهوم مالکیت معنوی را به شاخه‌ها و اجزای تشکیل‌دهنده آن تجزیه کنیم درخواهیم یافت که توجیهات مختلفی برای هر یک از این حقوق قابل طرح است. اگر به طور خاص به حقوق حمایت از اسرار تجاری نظری بیفکنیم، درخواهیم یافت که این حقوق بیشتر ریشه در مفاهیمی چون احترام به آزادی فردی، احترام به روابط محرمانه و سری، لزوم رعایت اخلاق حسنه و التزام به اصل رقابت مشروع دارد و نه مفاهیمی چون ارتقای سطح نوآوری و پخش اطلاعات و افزایش تولید فکر. توجه داریم که هرچند ممکن است که حقوق حمایت از اسرار تجاری برخی اهداف حقوق اختراعات و کپی‌رایت را دنبال نماید، لیکن این حقوق کارکردهای متمایز دیگری را نیز به دنبال دارد که در این مقاله نویسنده بیشتر به دنبال این کارکردها می‌باشد. به هر حال دیدگاه کلی نویسنده از دو جهت با دیدگاه هتینگر تفاوت اساسی دارد:

اول اینکه دیدگاه نویسنده بیشتر به شخصیت و مفهوم آن توجه دارد و نه مفهوم مالکیت.^۱ دوم اینکه بار اثبات مبانی توجیه حمایت از اسرار تجاری در این طرز فکر کاملاً منقلب می‌شود؛ بدین معنا که بار اثبات بر دوش کسانی است که مدعی‌اند باید محصولات فکری را به عنوان اموال متعلق به عموم تصور نمود و نه بر دوش افرادی که درصدد توجیه حقی اختصاصی بر اطلاعات و افکارند. به هر حال برای درک بهتر این رهیافت لازم است راجع به حق افراد نسبت به افکار و اطلاعات افشا نشده ایشان و چگونگی پیدایش تعهد دیگران بر عدم افشای اسرار قدری تأمل گردد.

حق بر کنترل و نظارت بر افشای اسرار و اطلاعات

اگر بپذیریم که شخص نسبت به افکارش حقی دارد، مطمئناً در کنترل و نظارت بر افشای آن نیز ذی‌حق است. شخص ممکن است تصمیم بگیرد اطلاعات و افکارش را نزد خود نگاه داشته و فاش نسازد و یا آن را در اختیار اشخاص معدودی قرار دهد و یا آن را در

۱. این بدان معناست که نویسنده هرگز از نظریه شناسایی مالکیت برای شخص نسبت به افکار و اطلاعات ذهنی خود حمایت نمی‌کند. مترجم.

اختیار عموم قرار دهد. باید توجه داشت که در نظر نویسنده اینکه این اطلاعات و افکار در قالب تصورات، دیدگاهها، عقاید، طرحها، حقایق، دانش، تخیلات یا اختراعات می‌گنجد، مؤثر در مقال نیست.^۱

گرچه در برخی موارد به لحاظ اجتماعی خوب است که شخص نسبت به افکار و ایده‌های خود بخشنده بوده و آنها را بدون محدودیت با دیگران تقسیم نماید، لیکن چنین تعهد کلی‌ای برای ایشان بار نیست. هیچ کس در دنیا حقی بر افکار فردی شخص ندارد. نیز، هرچند ممکن است در خصوص اطلاعات خاصی با توجه به نوع اطلاعات، شخص دارنده اطلاعات متعهد بر افشای آن گردد لیکن این تعهدات ناظر به نوع خاصی از اطلاعات است. به طور مثال فروشنده باید به خریداران احتمالی خود عیوب مخفی و خطرات جسمی و ایمنی ناشی از استفاده و بهره‌برداری نامتناسب از مبیع را افشا سازد. شخصی که متعهد می‌گردد به نمایندگی از شخص دیگر انجام وظیفه نماید، متعهد است که اطلاعات حاصله و مرتبط با موضوع نمایندگی را به شخص اصیل افشا نماید. به هر حال توجه داریم که تعهد بر افشا و بازگو کردن اطلاعاتی از این دست به لحاظ دامنه محدود می‌باشد.

حق کنترل و نظارت بر افشای اسرار و اطلاعات در راستای حمایت از افراد به خوبی توجیه‌پذیر است زیرا اطلاعات و اسرار بخشی از شخصیت هر فرد را تشکیل می‌دهد. توجه داریم که شخصیت هر فرد عموماً از طریق ایده‌ها و افکاری که ابراز می‌دارد و روشی که آن را ابراز می‌دارد تعیین می‌گردد. الزام شخص به افشای عمومی اطلاعات و افکارش خواه این افکار شخصی باشد و یا غیر آن، بی‌تردید آسیبی جدی بر شخصیت فرد وارد خواهد آورد؛ چنین الزامی به شدت اصل لزوم رعایت زندگی بر مبنای روش منتخب را برهم می‌زند و این نوع نظارت بر فکر و الزام به افشای عمومی اطلاعات و افکار هجمه‌ای

۱. منظور نویسنده این است که با توجه به ماهیت حقی که ایشان برای شخص نسبت به افکار و اطلاعاتش می‌شناسد باید گفت فکر و اطلاعات از هر نوع که باشد مورد حمایت است و نباید دایره حمایت را محدود به اطلاعات و افکاری بدانیم که دربردارنده اختراعی است و یا یک اثر ادبی و هنری را در بطن خود دارد. مترجم

است بر حریم اشخاص به ویژه اشخاصی که دارای شخصیتی درونگرا می‌باشند زیرا بی‌تردید اطلاعات و افکار افشا نشده جزء حریم خصوصی اشخاص است.

مبنای حمایت از حق نظارت و کنترل افشای اطلاعات و افکار ریشه در رعایت اصولی چون احترام به استقلال، شخصیت، حریم خصوصی، حق آزادی فکر و بیان اشخاص در جامعه دارد. رعایت اصول مذکور روشن‌کننده این حقیقت است که چرا نویسنده نسبت به تفکرات هتینگر ناظر بر رعایت لزوم جریان آزاد اطلاعات^۱ و دسترسی نامحدود به آن انتقاداتی دارد. به خوبی مشخص است که این استدلال به مراتب از ایده هتینگر متفاوت است. ایده‌ای که آغازش مبتنی بر اماره‌ای علیه الزام به افشای اطلاعات و افکار و در جهت حمایت از افراد در برابر افشای بدون رضایت اطلاعات و افکار است. به هر حال در صورت توجه به مبانی اخلاقی مذکور در بالا حقوق حمایت از اسرار تجاری به خوبی فهمیده می‌شود.

آثار تعهد بر عدم افشای اسرار

در محدوده چارچوب ترسیمی سؤالی که مطرح می‌شود این است که چگونه افراد حق خود را نسبت به اطلاعات و افکارشان از دست می‌دهند؟ آیا باید گفت که به محض اینکه آنها اطلاعات و افکار خود را ابراز می‌دارند یا با دیگران در میان می‌گذارند این حق از بین می‌رود؟

یقیناً پاسخ به این سؤال متوقف است بر توجه به اوضاع و احوال افشاء. اگر شخص اطلاعات و افکارش را در روزنامه‌ها منعکس نماید و یا آن را در یک ضبط صوت حفظ کند، این حق از بین نمی‌رود. به همین ترتیب اگر شخصی اطلاعات و افکارش را تحت شرط تعهد بر محرمانه نگاه داشتن به دیگری ابراز داشت نباید آن فکر را بخشی از اطلاعات و افکار متعلق به عموم فرض نمود. به هر حال نباید تصور نمود که اگر شخص الف به ب اطلاعات و افکارش را فاش نمود دیگر حقی نسبت به آن نداشته و امکان افشای آن به دیگران نیز فراهم می‌باشد. به نظر می‌رسد باید گفت این حق هر فرد است

که تعیین نماید چه اشخاصی دریافت دارنده اطلاعات و افکارش باشند و نباید قضیه را محدود به دو فرض افراطی و تفریطی نمود و از قانون همه یا هیچ پیروی کرد،^۱ وقتی شخص الف اطلاعات و افکارش را به شخص ب منتقل می‌کند همواره این خطر وجود دارد که شخص دیگری نیز از آن مطلع گردد اما اگر ب در برابر الف متعهد به حفظ سر باشد، خواه صراحتاً خواه از طریق شرکت در رابطه‌ای که انتظار تعهد بر عدم افشای اطلاعات و اسرار از نوع رابطه مستفاد است، او بدو این تعهد را دارد که اسرار را فاش نسازد. به هر حال وضع قوانین حمایت از اطلاعات و اسرار است که موجب می‌شود ریسک الف به مراتب کاهش یابد.

فرض دیگری که براساس آن افشای اطلاعات و اسرار به یک شخص، مجوز استفاده همگان نخواهد بود، زمانی است که افشای سر در نتیجه تقلب یا تعهدات توأم با سوءنیت صورت پذیرفته است. تصور نمائید که الف تاجری است که سازنده یک برنامه نرم‌افزاری بسیار پیشرفته است که قابلیت فروش بسیار بالایی دارد، شخص ب خود را خریدار آن برنامه وانمود نموده و سوالاتی از الف راجع به جزئیات این نرم‌افزار می‌نماید. اینکه الف در پاسخ چنین فردی اطلاعات و اسراری را در اختیار وی قرار می‌دهد نباید اینگونه تصور نمود که این اطلاعات و اسرار داخل در آگاهی‌ها و اطلاعات عمومی گشته و همگان از جمله شخص ب حق دسترسی به آن را دارند. بنابراین باید گفت که حق الف بر اطلاعات و اسرارش مستلزم این است که افشائات غیر ارادی شامل افشایی که مبتنی بر تقلب، اجبار، سرقت اسنادی که بیان‌کننده اطلاعات و اسرار است موجب سلب حق الف نباشد و آن اسرار و اطلاعات را متعلق به عموم نسازد. اساساً ما باید به دنبال قوانینی باشیم که معطی ضمانت اجرایی به الف در جهت مقابله با این نوع تخصیص‌ها باشد و حقوق حاکم بر حمایت از اسرار تجاری چنین وظیفه‌ای را برعهده دارند.

۱. منظور نویسنده این است که نباید تصور نمود که یا شخص باید افکار و اطلاعاتش را نزد هیچکس فاش نسازد و یا همگان باید امکان بالقوه دسترسی به آن را داشته باشند ولو اینکه شخص تنها نزد یک نفر اطلاعات و افکارش را بازگو کرده باشد. مترجم.

نویسنده می‌افزاید که اگر در حمایت از الف در فرض مثال برنیاییم علاوه بر تجاوز به اصول اخلاقی اصل رقابت تجارتي منصفانه نیز مخدوش می‌گردد که تبعات اقتصادی سوئی به دنبال خواهد داشت زیرا شخص دریافت دارنده اطلاعات را در موقعیتی قرار می‌دهد که از آن افکار بهره‌برداری می‌نماید بدون اینکه در تأمین هزینه‌های توسعه فکر نقشی داشته باشد. فی‌الواقع رقیب می‌تواند اقدام به تولید همان محصول نرم‌افزاری با قیمت تمام شده بسیار نازلتر نماید و آن را به بازار عرضه کند، زیرا ایشان در مقایسه با الف هزینه‌ای بابت توسعه فکر متقبل نشده است، که باعث صرفه جویی عظیمی در وقت و سرمایه می‌گردد. در واقع اصل کلی رقابت منصفانه و مشروع در یک اقتصاد رقابتی تحدیداتی را در استفاده اشخاص از اطلاعات و افکار متعلق به دیگری تحمیل می‌نماید. به هر حال در یک سیستمی که مبتنی بر تلاش افراد است استفاده رایگان و بلاعوض از نتیجه تلاش دیگری^۱ کاملاً ناعادلانه است.

موضوعات بحث برانگیز^۲

مفاهیمی چون احترام به حق کنترل و نظارت شخص نسبت به افشای اطلاعاتش، احترام به روابط محرمانه و سری، اخلاق حسنه و اصل رقابت مشروع همگی اشاره به شناسایی حقوق خاصی نسبت به اطلاعات و اسرار دارد. لیکن سؤالاتی چند در خصوص این سیستم حمایتی قابل طرح است. اگر شخص دارنده اطلاعات و افکار یک شخص حقیقی نباشد بلکه یک سازمان یا گروه باشد، آیا ایشان در برابر دریافت دارنده اطلاعات و اسرار و دیگر اشخاص ثالث باز هم از همان حقوق و ضمانت اجراها بهره‌مند است. به طور مثال فرض کنید که دارنده اطلاعات و افکار، یک شرکت تجاری است که کارگری را استخدام می‌کند بدین منظور که طرحی برای بازاریابی ارائه نماید و آن را توسعه بخشد؛ اگر دیگر کارکنان آن شرکت تحت شرط محرمانه نگاه‌داشتن، اطلاعات و اسراری را در اختیار آن کارگر قرار دهند آیا شرکت می‌تواند از استفاده شخصی آن کارگر از این

1. free_ riding.

2. Problematic issues.

اطلاعات و اسرار جلوگیری به عمل آورد؟ اینکه این شرکت تجاری دو شخص داشته باشد یا صد هزار کارگر آیا پاسخ به سؤال متفاوت است؟ آیا اگر به جای یک شرکت تجاری بحث از یک باشگاه عمومی یا مدرسه خصوصی باشد پاسخ به مسأله متفاوت است؟ به نظر می‌رسد که هتینگر مدعی است شرکت تجاری نباید چنین حقی داشته باشد؛ چه، این حق باعث تحدید امکانات استخدامی کارگر مورد بحث می‌شود. یقیناً صحیح است که اعطای چنین حقی به شرکت تجاری باعث می‌شود که کارگر مورد نظر از اشتغال به برخی مشاغل محروم گردد، لیکن روی دیگر سکه این است که عدم اعطای چنین حقی به شرکت نیز موجد مشکلاتی برای شرکت خواهد بود.

به هر حال اگر قوانین ما به حمایت از شرکت موردنظر نپردازند آن شرکت به دیگر طرق حمایتی متوسل خواهد شد تا به هر ترتیبی که شده به حمایت از اطلاعات باارزش خود بپردازد. از جمله اینکه با تک تک کارکنان شرکت «قرارداد رازداری»^۱ منعقد می‌نماید حتی اگر قوانین ما چنین قراردادهایی را نیز معتبر نشناسند، آنگاه استخدام ممکن است بیشتر مبتنی بر روابط خانوادگی و شخصی استوار گردد. طبیعتاً برای افرادی که روابط شخصی و خانوادگی خوبی ندارند فرصت اشتغال به مراتب کمتر خواهد شد.

نویسنده معتقد است که اعطای یک حق شخصی به شرکتها در حمایت از اسرار و اطلاعاتشان جایگزینی بر حاکمیت روابط خویشاوندی و شخصی به عنوان معیارهای استخدام خواهد بود. هر چند این قوانین ممکن است عاری از هزینه نبوده و نتایج سوئی نیز داشته باشد و لیکن در جهت حفظ تلاش جهت همکاری و ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر کمک خواهد کرد.

برخلاف عقیده هتینگر اعطای حقی به شخص نسبت به اسرار و اطلاعاتش که تحت شرط محرمانه نگاه داشتن افشاء می‌نماید همیشه به معنای نفع قوی با هزینه ضعیف نخواهد بود هر چند در برخی موارد ممکن است چنین باشد. فرض کنید سه تاجر درصدد توسعه تجارت خود در زمینه تولید کیک و کلوچه هستند و یک سرمایه‌گذار ریسک‌پذیر نیز

تصمیم بر تأمین منابع مالی این پروژه^۱ را داشته باشد. بدون تردید این سرمایه‌گذار علاقه‌مند است که جهت تصمیم‌گیری قطعی در خصوص فاینانس این پروژه با دستورالعمل و جزئیات ساخت کلوچه آشنا شود. حال اگر این اطلاعات در اختیار او قرار گیرد ممکن است تصمیم بگیرد که این دستورالعمل را به شرکت‌های دیگر بفروشد و سرمایه خود را در جایی دیگر به کار برد.

بدین ترتیب تجار مورد بحث از گردونه این تجارت به کنار نهاده شده و شرکت خریدار این دستورالعمل با قیمتی بسیار نازلتر به تولید و فروش کلوچه‌ها اقدام می‌کند و مشتری نیز از اینکه محصول را با قیمتی ارزانتر می‌خرد خرسند است.

زیربنای غیرمالکیتی حقوق حمایت از اسرار تجاری^۲

تا حدی زیاد تمام آنچه از حقوق و ضمانت‌اجراهایی که در بحث سابق معرفی شد، همانی است که در حقوق حاکم بر حمایت از اسرار تجاری مورد بحث قرار می‌گیرد. همانطور که مباحث فوق نشان داد، توسل به مفهوم مالکیت جهت توجیه این حقوق لازم نیست. حقوق حاکم بر حمایت از اسرار تجاری به مقابله با روشهای خاص در تخصیص اطلاعات و اسرار محرمانه و ارزشمند به لحاظ تجاری توسط دیگران می‌پردازد. این رشته از حقوق مالکیت معنوی معطی حقی است در جهت جبران خسارت کسانی که اطلاعات و اسرار محرمانه و ارزشمندشان توسط دیگران فاش می‌گردد. این رشته از حقوق مالکیت معنوی اعطاءکننده حقی است در جهت جبران خسارت کسانی که اطلاعات و اسرار محرمانه و ارزشمند ایشان از طریق تدلیس، سرقت، رشوه، نقض تعهد بر عدم افشای اسرار، جاسوسی، یا دیگر طرق غیرقانونی تحصیل شده است.

هرچند که ریشه‌های اصول حمایت از اسرار تجاری در مفاهیمی چون احترام به تصمیم‌گیری در خصوص افشای ارادی اطلاعات و احترام به روابط محرمانه مستقر بوده که به نوبه خود مبین بهترین الگو در جهت شناسایی و تفکیک تخصیص و بهره‌برداری

1. Project - financing.

2. non-property foundations of trade secret law.

مجاز و ممنوع از این اسرار و اطلاعات است، همانطور که قاضی Justice Oliver Wendell Holmes در یک پرونده اسرار تجاری به سال ۱۹۱۷م. بدان اشاره کرد، «مفهوم مالکیت بر اسرار و اطلاعات شاید مورد انکار قرار گیرد ولی تعهد بر عدم افشای اسرار غیرقابل انکار است.» به حقوق حاکم بر اسرار تجاری می‌توان به عنوان عاملی در جهت اجرای معیارهای اخلاقی در روابط تجاری نگریست که تضمین حرکتی همسو با اطلاق اخلاق اجتماعی است.

همانگونه که هتینگر و دیگران خاطرنشان ساخته‌اند دستیابی به حمایت از اسرار تجاری موجد انگیزه‌ای است برای کار فکری و توسعه اطلاعات، آگاهی به این موضوع که صاحبان فکر و اندیشه در برابر افرادی که اطلاعات و اسرار ایشان را به ناحق به خود تخصیص می‌دهند، دارای حقوقی بوده و اعمال ضمانت اجرایی در اختیار ایشان می‌باشد، مردم را به سرمایه‌گذاری و صرف وقت و هزینه جهت کشف و توسعه اطلاعات تشویق می‌نماید. البته توجه داریم که ادعای ما در حمایت از اسرار تجاری بر پایه ارتقای سطح اختراعات متفاوت از معرفی یک مبنای موجه در توجیه حقوق حاکم بر اسرار تجاری می‌باشد. زیرا حتی اگر حقوق حاکم بر حمایت از اسرار تجاری در نظام کامن‌لا منتج به ارتقای کار فکری نگردد یا افزایش بهره‌برداری و استفاده از اطلاعات را به دنبال نداشته باشد همچنان دلایلی بر به رسمیت شناختن و شناسایی این حقوق وجود دارد. احترام به تصمیم افراد در افشای ارادی اسرار و اطلاعاتشان، احترام به روابط محرمانه افراد، احترام به اصول اخلاق حسنه و رقابت مشروع همگی بدین سو گرایش دارند.

بنابراین، ارتقا و توسعه اطلاعات تنها مبنای حمایت از اسرار تجاری نیست. به هر حال حمایت، اغلب نسبت به اطلاعاتی همچون اطلاعات راجع به مشتریان، روشهای کاهش هزینه، اصول بازاریابی که در جریان تجارت به دست می‌آید، صورت می‌گیرد. به هر صورت هرچند که فعالیت‌های تجاری ممکن است نیازمند ایجاد انگیزه باشد تا شخص اساساً خود را درگیر تحقیق و توسعه هزینه بر نماید، به نظر نویسنده مبنای توجیه‌گر حمایت از اسرار و اطلاعات باید غیر از دلایلی چون ارتقای میزان اختراع در جامعه و

افزایش بهره‌برداری از اطلاعات باشد. از همین رو است که اصول حاکم بر حمایت از اسرار تجاری استفاده و بهره‌برداری از اطلاعات را آنگاه که از طریق مطالعه بر روی محصولات موجود در بازار به دست آمده باشد، ممنوع نمی‌نماید.

شخص ممکن است انتظار داشته باشد که حقوق حمایت از اسرار تجاری همچون حقوق اختراعات که صراحتاً به تشویق اختراع در جامعه می‌پردازد، از ابداع‌کنندگان به جای تقلیدکنندگان حمایت نماید.

این حقیقت که کنگره آمریکا قوانین حمایت از اختراعات را وضع نموده است که به مخترعان یک حق انحصاری موقت در ازای افشای اطلاعات و افکارشان اعطاء می‌نماید بدون اینکه به حذف حقوق اسرار تجاری بپردازد، خود دلیل روشن دیگری است که بیان‌کننده این حقیقت است که حقوق اختراعات و حقوق اسرار تجاری هر یک بر مبنای مختص خود استوار است. همین که بابت افشای اسرار و اطلاعات، یک حق انحصاری موقت به مخترع اعطاء می‌گردد، ضمناً مبین یک حق اساسی دیگری است که براساس آن نباید افکار و اطلاعات دیگری بدون اجازه ایشان فاش گردد و طبیعی است که رویه دیگر این حق تعهد دیگران در حفاظت از اسرار و اطلاعات دارند آن است.

ارزیابی مجدد نظریه انتقادی هتینگر بر حقوق حمایت از اسرار تجاری^۱

اگر ما حقوق حمایت از اسرار تجاری را مبتنی بر اصولی چون احترام به افشای ارادی اطلاعات، احترام به روابط محرمانه و رعایت اقتضای اخلاق حسنه و رعایت اصل رقابت مشروع و منصفانه بدانیم، قوت استدلال و انتقادات هتینگر تا حدی رنگ می‌بازد. سوءکارکردهایی که ایشان مستند استدلال خویش قرار داده‌اند نه تنها جنبه منفی نخواهد داشت و عاملی در جهت دور شدن از یک ایده‌آل^۲ نیست بلکه در جهت ارتقای احترام به اصول و ارزش‌هایی دیگر نقش آفرین خواهد بود.

1. Reassessing Hettinger's Criticism of Trade Secret Law.

۲. مراد از ایده‌آل مورد نظر هتینگر همانا تحقق اصل جریان آزادانه اطلاعات و دسترسی نامحدود همگان به آن است. مترجم.

اینک به دسته‌بندی انتقادات هتینگر و نقد و بررسی اجمالی آن می‌پردازیم:

الف - محدودیت در تحصیل اطلاعات و اسرار

یکی از انتقادات هتینگر این بود که حقوق حمایت از اسرار تجاری روش‌های دستیابی به اطلاعات و اسرار را کاملاً محدود می‌سازد. لیکن توسل به روش‌های ممنوعه تحصیل اطلاعات مانند تدلیس، سرقت، رشوه، نقض تعهد بر عدم افشای اسرار و جاسوسی همگی تجاوزی است بر اصول کلی اخلاق اجتماعی. زدودن این محدودیت‌ها بی‌تردید باعث رخت بریستن این ارزش‌های به غایت مهم از چارچوب روابط و تعاملات اجتماعی می‌گردد.

اینکه حقوق حمایت از اسرار تجاری تا چه حد مانع توسعه و گسترش اطلاعات و افکار می‌گردد نیز خود موضوعی است که قابل بحث است. هتینگر و دیگران مدعی‌اند که محرمانه نگه داشتن اسرار تجاری و تعهد دیگران بر حفظ اطلاعات و اسرار بازرگانی مانعی جدی بر سر راه ابداع و توسعه است، به ویژه که مدت حفظ اسرار نیز معمولاً نامحدود است. ولیکن باید توجه داشت که این رشته از حقوق مالکیت معنوی نسبت به افکار و اطلاعاتی که از طریق آزمایش به دست می‌آید و نیز محصولاتی که از مهندسی معکوس^۱ محصولات موجود در بازار به دست آمده باشد، حمایتی نمی‌کند.

لذا با این وجود حفظ اسرار فنی تشکیل دهنده این محصولات قدری مشکل به نظر می‌رسد. به ویژه آن که با وجود صعوبت فناوری مدرن مهندسی‌های معکوس موفقیت‌آمیز نیز بسیار شایع است. بنابراین پیشرفت‌های فنی بسیاری از سوی محققانی که مستقلاً کار می‌کنند، به چشم می‌خورد. اساساً حقوق حمایت از اطلاعات و اسرار تجاری هیچ مانعی در موارد مذکور در بالا ایجاد نمی‌کند. کاشفین مستقل آزادند که از افکار و ایده‌های خود بهره گیرند حتی اگر افکار و اطلاعات ایشان شبیه دیگران باشد.

در خصوص اطلاعات غیرفنی مانند برنامه‌های بازاریابی و راهبردهای تجاری نیز دوره حرمانگی الزاماً کوتاه است، زیرا به کارگیری این اطلاعات از سوی صاحب آن، خود به

معنای افشای آن است.

متخصصین در امور اطلاعاتی مدعی‌اند که اطلاعات و اسرار مورد نیاز جهت فهم این حقیقت که رقبای ایشان مشغول انجام چه کاری هستند معمولاً در دسترس عموم است و قابل دستیابی. تمامی این ملاحظات به خوبی بیان‌کننده این حقیقت است که اصول حقوق حمایت از اطلاعات و اسرار تجاری هیچ مانع جدی بر سر راه افزایش اطلاعات نمی‌باشد.

ب - آثار رقابتی

هتینگر از اینکه حمایت از اسرار تجاری حس رقابت را در نطفه خفه می‌کند ناخرسند است. ارزیابی این ادعا قدری دشوار است. از یک سو ممکن است به نظر برسد که اگر شرکتها مجاز در تحصیل قیمتها و دیگر مزایای بازار از طریق استفاده از ابزار ممنوع جهت تحصیل اطلاعات و اسرار مورد حمایت می‌بودند قیمتها بسیار کاهش می‌یافت. با این وجود همچنین منطقی است که مفروض انگاریم قانون حمایت از اسرار تجاری، قیمتها را از طریق کاهش هزینه‌های حمایت از خویشتن^۱ کاهش می‌دهد. کارکرد این قوانین این است که از طریق ایجاد تضمین به سود شرکتها و مؤسسات تجاری و دادن اطمینان به شرکتها که اطلاعات و اسرار تجاری ارزشمند ایشان حمایت خواهد شد، آنها را از تحمل هزینه‌های گزاف حمایت از خویشتن نجات می‌دهد. تصور نمائید چه اتفاقی می‌افتاد اگر حمایت از اسرار تجاری حذف می‌شد. به طور قطع حمایت از خویشتن بیشتر هزینه بر می‌شد و مستقیماً بر افزایش قیمتها تأثیر می‌گذاشت. در حالی که افزایش رقابت باعث کاهش قیمت می‌شود. به هر حال گاهی اوقات بین دو مفهوم اخلاق و تولید اصطکاکی در می‌گیرد؛ بدین معنا که گاهی اوقات کاهش قیمت برای مصرف‌کننده به قیمت زیرپانهادن اصول و ارزشهای اخلاقی جامعه می‌گردد. چه، در این فرض جمع‌آوری اطلاعات و اسرار تجاری از طریق رشوه، تدلیس و جاسوسی مجاز خواهد بود.

ج - تحدید نقل و انتقال کارگران^۱

در میان انتقادات هتینگر نسبت به حقوق حمایت از اسرار تجاری، جدی‌ترین ایراد راجع به ایجاد محدودیت در نقل و انتقال آزاد کارگران است. در عمل کارفرمایان اغلب در تلاشند که از اطلاعات به ترتیبی حمایت به عمل آورند که فرصت‌های شغلی کارگران خود را هرچه بیشتر محدود سازند. سه عامل مهم به این تمایل کارفرمایان کمک می‌کند:

۱ - ابهام در اینکه چه اطلاعاتی محرمانه است.

۲ - عدم توافق راجع به تخصیص درست حقوق نسبت به افکار تولید شده توسط کارگران که با استفاده از منابع کارفرمایان بوده است.

۳ - دشواری مفهومی در تمیز اطلاعات و افکار متعلق به عموم و آگاهی‌های خاص کارفرما که در نتیجه شغل و به مناسبت آن اکتساب گردیده است.

به هر حال هرچند که محاکم در این خصوص در حال عمل به توصیه‌های هتینگر هستند؛ بدین معنی که ایجاد محدودیت در اشتغال بعدی کارگران با هدف حمایت از اسرار و اطلاعات تجاری را هرچه محدودتر می‌سازند و هرچند که ایجاد تعادل بین منافع کارگران و کارفرمایان مسأله‌ای ظریف و پیچیده است که همواره به نحو عادلانه‌ای قابل دستیابی نیست، لیکن حذف حمایت از اسرار تجاری نیز نامطلوب می‌نماید و دیگر اهداف را به مخاطره می‌افکند.

د - جایگزین‌های فرضی^۲

بحث آقای هتینگر در خصوص قوانین حمایت از مالکیت معنوی مبتنی بر یک فرض است. فرضی که براساس آن اگر ما قوانین حمایت از اسرار تجاری را حذف نمائیم، آزادی بیشتری در دسترسی به اطلاعات و اسرار تجاری و توزیع اطلاعات بین مردم روی خواهد داد. هتینگر از جریان آزاد اطلاعات به عنوان یک ایده‌آل سخن به میان می‌آورد که در صورت حذف قوانین حمایت از مالکیت معنوی بدان می‌رسیم. این فرضیه اساساً مورد

1. Restrictions on Employee Mobility.

2. Hypothetical Alternatives.

پذیرش نویسنده نمی‌باشد. وی معتقد است که تعهد بر عدم افشای اسرار در قلب فعالیت‌های روزمره بازار قرار دارد.

نویسنده می‌افزاید که در صورت حذف قوانین حمایت از اسرار تجاری هدفی چون جریان آزاد اطلاعات - آن‌گونه که هتینگر در جستجوی آن است - روی نخواهد داد بلکه تلاشها بیشتر متمرکز بر حمایت از اطلاعات در قالب قرارداد، استعمال سیستم‌های مدیریتی طراحی شده جهت تحدید دستیابی به اسرار و اطلاعات، استفاده از ابزار و تجهیزات حفاظتی و وسایل الکترونیکی ضد دستیابی به اطلاعات خواهد شد. همچنین باید منتظر توسل به ابزارهای غیراخلاقی تحصیل اطلاعات از طریق جاسوسی، رشوه، تدلیس و دیگر روشهای ناخوشایند بود. به هر حال این قوانین حمایتی به نوعی تضمین‌کننده توزیع اطلاعات در محیطی کاملاً محرمانه و مانعی در برابر هر نوع دستیابی غیراخلاقی به اسرار و اطلاعات متعلق به دیگران خواهد بود. بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که اصول حمایت از اسرار تجاری از دو اصل مهم برای هر نوع تلاش فکری حمایت می‌کند یعنی همکاری و امنیت اطلاعاتی. لذا اکنون می‌توان مدعی بود که اصول حمایت از اطلاعات و اسرار تجاری از طریق تحدید جریان اطلاعات، نهایتاً از تلاش برای خلق آثار فکری حمایت می‌نماید.

بار اثبات توجیه حمایت از اسرار تجاری بر عهده کیست؟

با نگرشی مجدد به حقوق حمایت از اسرار تجاری به نظر می‌رسد هتینگر بر این عقیده است که بار اثبات توجیه حمایت از اسرار و اطلاعات تجاری بر عهده کسانی است که معتقدند باید استفاده حداکثری و جریان آزاد اطلاعات و افکار محدود گردد. استدلال ایشان بر این پایه استوار است که تمام اطلاعات و افکار موجود در جهان بخشی از آگاهی‌های متعلق به عموم است و باید به دنبال توجیهی باشیم که چگونه می‌توان برای افراد حقی خصوصی نسبت به آن در نظر گرفت. در چارچوب افکار هتینگر به اموال و محصولات فکری همچون اموال مادی و محسوس نگریسته می‌شود که اختصاص آن به فردی خاص نیازمند توجیه و ارائه ادله مثبت می‌باشد.

نویسنده در مقام انتقاد از این نظریه معتقد است که اطلاعات و افکار در اختیار خالق و منشأ این اطلاعات است و این خود شخص است که می‌تواند تصمیم‌گیری نماید که آنها را در اختیار اشخاص دیگر و یا عموم مردم قرار دهد یا نه. در این چارچوب نویسنده معتقد است که افکار و اطلاعات هر شخص عامل اصلی تشکیل‌دهنده شخصیت وی می‌باشد و نباید تصور نمود که این اسرار و اطلاعات به مثابه منابع موجود در طبیعت بوده و بدو در اختیار همگان است بلکه اطلاعات و افکار، مخلوق اشخاص است. اگر به ماهیت اطلاعات و اسرار چنین نگرشی داشته باشیم به نظر می‌رسد بار اثبات توجیه را باید بر دوش کسانی قرار داد که با تعهد دیگران بر عدم افشای اسرار مخالفت داشته و معتقد به دسترسی عمومی همگان بر اطلاعات و اسرار تجاری می‌باشند.

به هر حال ملاحظه می‌گردد که تعیین این حقیقت که بار اثبات برعهده کیست، بازگشت به سؤال اساسی‌تری دارد که همانا حق افراد نسبت به اسرار، افکار و اطلاعاتشان چگونه است؟ آیا افکار، اسرار و اطلاعات بدو متعلق به عموم است یا در اختیار خصوصی اشخاص؟

نتیجه‌گیری

هتینگر قصد داشت که مبانی مالکیت معنوی را در هر شاخه‌ای بیازماید مع‌ذالک او معتقد بود که تنها، حقوق اختراعات قابل توجیه است و تا حدی نیز می‌توان از کپی رایت حمایت به عمل آورد. وی ادامه می‌دهد که دیگر شاخه‌های مالکیت معنوی با مبانی پیشنهادی ایشان در تنافی است و تنها در صورتی که وجودشان ضروری باشد باید ابتدا اصلاح گشته و آنگاه مورد استفاده قرار گیرد. ایشان به طور خاص معتقد است که حقوق حمایت از اسرار تجاری باید به منظور هماهنگی با حقوق اختراعات اصلاح گردند.

نویسنده در نقد نظریه هتینگر معتقد است که ایشان در ارزیابی و توجه به مبانی مختلف و متفاوتی که در ورای هر یک از شاخه‌های مالکیت معنوی بالاخص مبانی حمایت از محرمانه نگاه داشتن اسرار تجاری قابل طرح است دچار اشتباه شده است. نویسنده اضافه می‌کند که ایشان با این عقیده هتینگر موافق است که قواعد مالکیت

معنوی نیاز به نگرشی تازه از نگاه سود محور دارد و معتقد است که فی‌المثل اعطای حقی ۱۷ ساله در حمایت از اختراعات به مخترعان با توجه به سرعت توسعه فناوری قدری نامتناسب است.^۱ به هر حال نیاز به فکر بیشتر است تا تعادلی بین حقوق کارفرمایان و کارگران در اطلاعات و افکار مشترک ایجاد نمائیم.

در پایان نویسنده بر آن است که اگر عقیده هتینگر را در جامعه پیاده نماییم و به اصلاح قوانین حمایت از اسرار تجاری با هدف افزایش دسترسی عمومی به اطلاعات و افکار و بهره‌برداری از آن پردازیم، با خطر به انحراف کشیده شدن اهدافی که این قوانین درصدد دستیابی به آن هستند و فوقاً مذکور افتاد مواجه می‌شویم.



۱. توجه داریم که اکنون مدت حمایت از اختراع در کشورهای مختلف و اسناد بین‌المللی متفاوت است. فی‌المثل مدت حمایت از اختراعات در موافقتنامه TRIPS براساس ماده ۳۳ آن، ۲۰ سال می‌باشد. مترجم.